



درس پنجم:

تا حال شما چهار مناجاتی را که در شروع هر کلاس تلاوت کرده اید، از بر نموده اید یکی از آنها را برای شروع هر کلاس انتخاب کنید. کودکان هم لاقلاً یک مناجات از بر کرده اند و بعضی از آنها ممکن است آن را بعد از مناجات شروع تلاوت کنند. هر یک از اطفال حداقل هر سه یا چهار جلسه یکبار باید فرصت تلاوت مناجات را داشته باشند. همچنین در هر جلسه شما حفظ کردن مناجات درس چهار را با

اطفال ادامه دهید. این فعالیت تا درس نهم ادامه خواهد یافت و پس از آن انتظار می رود که همه اطفال مناجات را از بر شوند. فعالیت‌های دیگر جلسه امروز چنین است:

الف) سرود شامل بعضی از سرودهای جلسات قبلی و یک سرود جدید:

به من نگاه کنید

از حضرت عبدالبهاء	آموختم درس وفا
او گفت: من را بنگرید	باید که مثل من شوید

عبدالبهاء عبدالبهاء

عبدالبهاء عبدالبهاء

باید چو شمعی سوختن	شب را چوروز افروختن
باقطره قطره جان خود	باچشم نورافشان خود
بخشیم نور زندگی	این است راز بندگی
اوگفت من را بنگرید	باید که مثل من شوید

عبدالبهاء عبدالبهاء

عبدالبهاء عبدالبهاء

ب) حفظ بیان مبارک

خداوند ما را دوست دارد و می خواهد که همیشه به او نزدیک باشیم. بهترین راه برای نزدیکتر شدن به خدا آن است که به او خدمت کنیم. خدمت به بندگان خدا، خدمت به خداست. راههای زیادی برای خدمت وجود دارد. مثلاً عیادت از بیماران، کمک به نیازمندان و تعلیم آنچه می دانیم به دیگران. ما باید به همه خدمت کنیم بدون آنکه فکر کنیم که آن فرد ثروتمند است یا فقیر، دوست است یا بیگانه. برای آنکه خادم نوع بشر شویم بیایید این بیان حضرت بهاءالله را از بر کنیم.

«امروز انسان کسی است که به خدمت جمیع من علی الارض قیام نماید» (۱)

قیام نمودن

سهراب معمولاً در کلاس هنر به درس توجه زیادی می نماید و برای هر جلسه ساعتها وقت صرف تمرین و آماده سازی خود می کند سهراب به آموختن هنر قیام نموده و همّت گماشته است. پدر علی یک مزرعه سبزیکاری دارد. علی هر روز به پدرش در کندن علفهای هرز و آبیاری مزرعه کمک می کند. علی به کمک پدرش قیام نموده است.

خدمت

۱- حسن، نادر و منصور منزل پدر بزرگ خود را تمیز کردند. آنها از اینکه این خدمت را انجام داده بودند خوشحال بودند.

۲- مهناز ۴ کیلومتر را پیاده طی می کند تا یک کلاس اطفال تشکیل دهد. او این راه طولانی را هر هفته طی می کند چون او دوست دارد که به جامعه خدمت کند.

مَنْ عَلِي الْأَرْض

زیبا از مادرش پرسید خدا مردم کدام کشور را بیشتر دوست دارد مادر با مهربانی پاسخ داد خدا همه مردم را خلق کرده است و همه را دوست دارد. برای خدا فرق نمی کند اهل کدام کشور باشیم. همه ما بر روی کره زمین زندگی می کنیم. خدا جمیع مَنْ عَلِي الْأَرْض را دوست دارد.

(ج) داستان

لِوَا یکی از اوئین بهاییان امریکایی است. وقتی حضرت عبدالبهاء در عکّا بودند لِوَا برای زیارت به آنجا رفت. یک روز حضرت عبدالبهاء به او فرمودند: لِوَا من امروز خیلی کار دارم و نمی توانم به دیدن دوستی که خیلی فقیر و مریض است بروم. آیا تو می توانی بجای من به دیدن او بروی و مثل من از او مراقبت کنی؟ لِوَا آدرس را گرفت و به سرعت به منزل او رفت تا همانطور که حضرت عبدالبهاء از او خواسته بودند از مرد بیمار پرستاری کند. لِوَا از اینکه حضرت عبدالبهاء به او اعتماد نموده و مقداری از کارهای خودشان را به او واگذار فرموده بودند احساس غرور و افتخار می کرد. اما خیلی زود نزد حضرت عبدالبهاء برگشت و با تعجب گفت: سرور من شما مرا به جای خیلی خیلی بدی فرستادید. از بوی بد خانه، اتاقهای کثیف و وضعیت ناهنجار و خیلی بد آن مرد ممکن بود بیهوش شوم و قبل از آنکه به بیماری بدی مبتلا شوم آن خانه را ترک کردم.

حضرت عبدالبهاء با چشمانی غمگین به او خیره شدند و فرمودند اگر می خواهی به خدا خدمت کنی باید به خلق خدا خدمت کنی زیرا تو باید در چهره هر کس نور خدا را ببینی. حضرت عبدالبهاء از او خواستند که دوباره به منزل آن مرد بیمار برگردد. اگر خانه کثیف است آنجا را تمیز کند و مرد بیمار را نظافت و حمام کند و اگر گرسنه است او را غذا بدهد و از او خواستند تا همه این کارها را انجام نداده به خانه برنگردد.

می دانید بچه ها حضرت عبدالبهاء بارها این کارها را خودشان برای آن مرد انجام داده بودند و حالا به لِوَا فرمودند که او هم باید بتواند این کارها را یک بار انجام دهد و بدین ترتیب به لِوَا یاد دادند که چگونه به هموعان خود خدمت کند.

(د) بازی «کمک به مریض»

یکی از اطفال نقش مریض را بازی می کند. دو نفر دیگر از کودکان روبروی هم می ایستند و دست همدیگر را می گیرند (دست راست به دست راست و دست چپ به دست چپ) تا مانند یک صندلی شود. به طفل مریض کمک می شود تا روی این صندلی بنشیند و به کمک سایر اطفال او را به بیمارستان منتقل می کنند. (معلم می تواند زیر درخت یا هر جای مناسب دیگری را به عنوان بیمارستان تعیین کند).

تنوع و تغییر:

شخص مریض روی برانکاردی که از دست به دست دادن بچه ها درست شده، دراز می کشد. اطفال مقابل هم می ایستند و دو ردیف درست می کنند، دستهای خود را درحالی که از آرنج تا شده به دست همدیگر می دهند و بدین ترتیب یک برانکارد می سازند.

(ه) رنگ آمیزی: نقاشی شماره ۵